

## فضل الله زاهدی را جانشین مصدق می دانستند

۲۳ مرداد ۱۴۰۰ ساعت ۲۱:۰۴

با روی کار آمدن آیزنهاور و رسیدن جان فاستر دالس به مقام وزارت امور خارجه راه برای بررسی جدی طرح کودتا و پذیرش آن از طرف دولت آمریکا همواره شد.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از جمله وقایع مهم تاریخ معاصر ایران به شمار می رود که هنوز پس از گذشت سالها از تاریخ وقوع آن، زوایای پیدا و پنهان بسیاری دارد. سیاست های استعمارستیزانه مصدق، عاملی بود که سبب شد تا آمریکا و هم پیمانانش، کودتایی را برای مهار جنبش ملی نفت و جلوگیری از اجرای آن طراحی و اجرا کنند. انگلیسی ها از آغاز روی کار آمدن مصدق در پی سرنگونی او بودند اما تا پاییز ۱۳۳۱ نتوانستند آمریکا را با طرح انجام کودتا همراه سازند و انجام کودتا بدون همراهی آمریکایی ها امکان پذیر، نبود. در آبان ۱۳۳۱ از طرف وزارت امور خارجه انگلیس چند تن به امریکا رفتند و پیشنهاد طراحی و اجرای یک کودتای مشترک برای براندازی مصدق را به آمریکایی ها ارایه کردند. در همان زمان مقامات انگلیسی در لندن همین پیشنهاد را با کرمیت روزولت رییس عملیات جاسوسی سازمان سیا در خاورمیانه در میان گذاشتند. با روی کار آمدن آیزنهاور و رسیدن جان فاستر دالس به مقام وزارت امور خارجه راه برای بررسی جدی طرح کودتا و پذیرش آن از طرف دولت آمریکا همواره شد. آن ها فضل الله زاهدی را جانشین مصدق می دانستند. در کتاب کودتاهای ایرانی، دلیل این انتخاب چنین عنوان شده است: «گویا پیشینه ضد انگلیسی زاهدی می توانست سرپوشی بر دست نشاندهی او باشد. او به چند تن از رهبران جناح راست ملی مانند آیت الله کاشانی، حسین مکی، دکتر بقایی و ابوالحسن حائری زاده چهره دوستانه نشان می داد. شخصیتی ضد کمونیسم بود. گروهی از نمایندگان و سناتورهای مخالف مصدق، نظامیان ارشد و کانون افسران بازنشسته از او پشتیبانی می کردند. از این ها گذشته، زاهدی، پس از دستگیری کودتاگران در مهرماه، اعلامیه مفصلی صادر کرده و مصدق را به هوجوی گری و ریاکاری و بی کفایتی متهم ساخته بود. او با صدور این اعلامیه خود را پیشوای مخالفان مصدق شناساند و مخالفان بی رهبر به دور او گرد آمدند.» اما زاهدی گزینه بی عیب و نقصی نبود: «سم فال او را فردی خشن و بی کله توصیف می کرد.» کارگزاران خارجی او را بدون «انگیزه، توان و طرح های هماهنگ و منظم» می دانستند. «گمان نمی کنیم کسی از هم میهنانش او را در این زمان ضد انگلیسی به حساب می آورد. در عوض، به طرفداری از آمریکا شناخته می شد. پول دوست و رشوه خوار بود. در میان نظامیان، به ویژه رده های میانی و پایینی، نفوذ نداشت. نمی شد به توانایی او در رهبری کودتا امید بست. شاه هم اعتماد چندانی به او نداشت. با همه این ها، زاممداران دو کشور غربی از آن دولتمردان سنتی دلسرد شده بودند و کسی جز زاهدی را در دسترس نداشتند. البته آمریکایی ها برای اجرای کودتا به افسرانی دل بسته بودند که در گروه سرلشکر حسن ارفع و سرهنگ حسن اخوی بودند: «این دو نفر از گذشته هواخواه انگلیس بودند و فهرستی از افسران تنظیم کرده بودند که اطلاعات لازم را درباره آن ها به همراه داشت و این فهرست را در اختیار

